

## عنوان مقاله:

جبرگرایی یا جبرنمایی بیهقی در تاریخ بیهقی

## محل انتشار:

فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، دوره 19، شماره 35 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

## نویسندگان:

مریم افرافر - دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند

محمد فولادی - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم

## خلاصه مقاله:

این مقاله به بررسی محدودیت‌هایی پرداخته که بیهقی در نگارش تاریخ خود با آن مواجه بوده است و با یافتن شواهدی از کتاب، بر آن است که نشان دهد آیا بیهقی برای آزادی و اختیار انسان اعتباری قائل است و یا اینکه همه چیز را جبر محض می‌داند؟ ظواهر امر تاریخ بیهقی حکایت از جبرگرایی بیهقی دارد اما دقیق‌تر که می‌شویم قرآینی ما را به سمت جبرنمایی و امر بین الامرین سوق می‌دهد. گرچه در مواردی بیهقی به عنوان مسلمان و موحد آنجا که از قضا و قدر می‌گوید باور قلبی اوست اما در بسیاری موارد شرایط او را وادار کرده که چنین بنویسد و همه امور را به قضا نسبت دهد. از این رو در پی تبیین زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و دینی این مسئله برآمده‌ایم. به نظر می‌رسد بیهقی برای خرد، اراده و اختیار آدمی ارزش قائل است و اگر بسیاری از حوادث و خطاکاری‌های حکومت را به قضا و قدر نسبت می‌دهد، در بسیاری موارد به دلیل محدودیت‌هایی است که شرایط برایش ایجاد کرده و او برای اینکه در معرض اتهامات قرار نگیرد جبرا به جبر گویی روی آورده است. فرض ما بر این است که بیهقی به عنوان مسلمانی موحد به قضا و قدر باور دارد و همین توحید او باعث شده برای اختیار آدمی نیز اعتبار قائل باشد و از این روست که دربار و درباریان و شاه را به سبب خطاهایشان می‌نکوهد.

## کلمات کلیدی:

بیهقی، تاریخ بیهقی، جبرگرایی، جبرنمایی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1886920>

